

از نظام آموزشی ناامید شده ایم

... در اردوگاه دانش آموزی شهید باهنر تهران، آب و هوا خوش است و از هوای داغ بیرون منحوطه خبری نیست. ۵۰۰۰ نفر از مدیران دارالقرآنیهای کشور در یک همایش ۴ روزه گردهم آمده‌اند تا نسبت به سیاستهای وزارت آموزش و پرورش توجیه شوند. دو، سه هفته‌ای بود که در پی انجام یک گفت‌وگو با معاون پرورشی وزارت آموزش و پرورش بدم و اینجا فرصت خوبی دست می‌داد تا لااقل بخشی از سوالاتمان را با او در میان بگذاریم. در وقت نهار و نماز عده‌ای از شرکت‌کنندگان در همایش دور معاون پرورشی تجمع کرده‌اند، انگار فرصت برای آنها مقتضی است. هر کس از دری سخن می‌گوید: «اضافه کار کانونهای فرهنگی - تربیتی را در شهرستان... چرا نمی‌دهند؟»، «ما برای نصب تابلوی دارالقرآن در بعضی مناطق خراسان به دلیل ترکیب جمعیت سنی و شیعه‌نشین در آنجا مشکل داریم.» و... درد و دل مهمانان همایش که از راههای دور و نزدیک به تهران آمده‌اند ظاهراً تمام شدنی نیست. اولین سوالم را که از آقای عبادی می‌پرسم و ضبط را روشن می‌کنم، با اعتراض تلویحی یکی، دو نفری هم مواجه می‌شوم، اما دیگر گفت‌وگوی ما شروع شده و پرسش و پاسخ‌ها مطرح می‌شود:

○ آقای عبادی به نظر شما مهم‌ترین آموزه‌های ملموس و عملی قرآن کریم بویژه برای نظام تعلیم و تربیت ما چیست؟

○ بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. یکی از مهم‌ترین مسائلی که ما در آموزش و پرورش می‌توانیم به آن بپردازیم در وهله اول درک جایگاه و منزلت خود قرآن است. قرآن منشور اساسی هویت دینی یک مسلمان را تشکیل می‌دهد و با توجه به اینکه ما مسلمان هستیم، به لحاظ این پیوند عمیقی که بین اعتقادات ما و مفاهیم قرآنی وجود دارد، هر قدر این درک متقابل باشد، موفقیت‌مان بیشتر است.

به علاوه با توجه به اینکه قرآن کتابی است متعلق به بیش از یک میلیارد مسلمان و بیش از ۱۴ قرن از عمرش می‌گذرد و در زندگی اجتماعی و فرهنگی انسانها تاثیر گذاشته، حتی مساله قرآن هم دیگر تنها متعلق به مسلمانها نیست، چون بر سرنوشت بسیاری از اقوام و قبایل و جوامع هم اثر گذاشته و امروز به عنوان یک پدیده جامعه‌شناسی به آن نگاه می‌کنند.

لذا، از این زاویه هم جوانان و دانش‌آموزان ما باید در قرآن تدبیر و تامل کنند. فارغ از مسائل اعتقادی.

نکته دوم اینکه، با توجه به اینکه قرآن مناسبترین منبع برای بسترسازی کار تربیتی دانش‌آموزان است، از دید ما جوهره کار تربیتی متصل شدن دانش‌آموزان و نوجوانان با روح قرآنی است و اگر ما در آموزش و پرورش بتوانیم این حلقه وصل را ایجاد کنیم و بتوانیم دانش‌آموزان را با معارف و روح قرآنی آشنا کنیم، می‌توانیم خیلی موفق باشیم.

○ چطور؟
○ راهش این است که روی قواعد و تجوید و بخصوص فهم عربی قرآن کار کنیم. بالاخره راه اول درس قرآن همین دانستن قواعد است. محور دومی که در بحث قرآن داریم، این است که قرآن علاوه بر اینکه با عقل و فکر و ذهن ما حرف می‌زند، با دل ما هم حرف می‌زند، یعنی حس درونی و مذهبی ما می‌تواند از طریق قرآن بیدار شود.

○ موسیقی قرآن و قرائت زیبایی آیات می‌تواند منقلب‌کننده درون باشد. موسیقی زبانی است که بدون بیان استدلال، صرفاً با برقراری آن حس مذهبی یا درونی انسان می‌تواند حرفش را بزند. از این منظر، می‌خواهم تاکید کنم که قرائت قرآن یکی از آموزه‌هایی است که اگر آن را ترویج کنیم، خصوصاً در سنین نوجوانی و کودکی، که احساس آنها نسبت به عقلشان برتری دارد، حس مذهبی در آنها قوت خواهد گرفت. لذا، اگر ما بتوانیم مساله قرائت را ترویج کنیم، می‌توانیم ارتباط خیلی نزدیکی عاطفی را بین جوانان و نوجوانان با مسائل قرآنی داشته باشیم.

○ آقای عبادی منظور من از آموزه‌های قرآنی، دروس عملی است که آیات و داستانها

○ مفاهیم قرآن کریم به جامعه و انسانها می‌دهد برای زندگی اجتماعی، سیاسی و... مثل درس آزادگی. در حال حاضر و با توجه به نیاز جامعه امروز و نسل جوان ما، مهم‌ترین آموزه‌های قرآنی کدامند؟

○ خوشبختانه قرآن یک کتاب جامعی است که به همه زوایای زندگی انسان پرداخته. یعنی یک کتاب اخلاقی صرف نیست که برای بعضی مواقع یا سنین محدودی کاربرد داشته‌باشد. قرآن یک کتاب حیات و زندگی است که هم در زمینه جهاد و مبارزه حرف دارد، هم در مسائل اجتماعی. در مقابله با ستمکاران حرف دارد و برای زندگی فردی انسان همینطور.

یعنی کتابی است که در طول دوران زندگی انسان و در همه مراحل آن می‌تواند راهگشا باشد. خصوصاً برای گروه سنی جوان و نوجوان. اگر ما بتوانیم با مقدماتی که عرض کردم این ارتباط را برقرار کنیم، قرآن در وهله اول یک استقلال و تشخص خاصی به انسان می‌دهد که او را از هر کس و هر چیزی بی‌نیاز می‌کند.

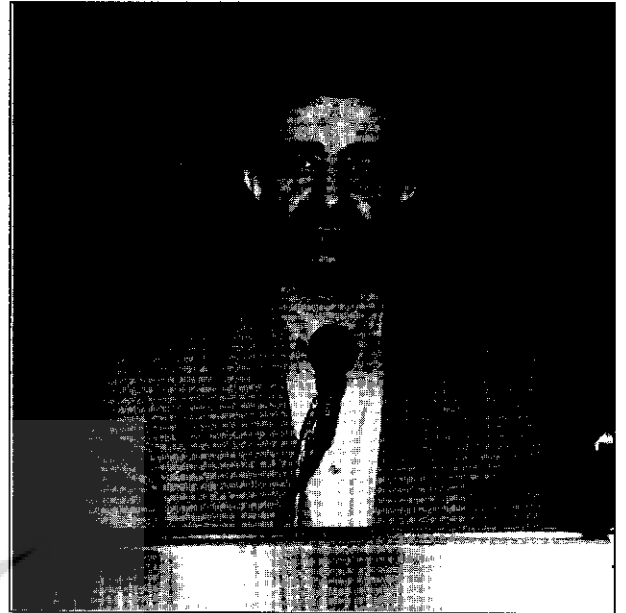
این خوداتکایی باعث می‌شود که انسان در همه مراحل اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و... بتواند حضور و بروز داشته باشد. ما می‌توانیم بهترین عبرتها را از طریق داستانها و مفاهیم قرآنی به جوانان آموزش دهیم. همانطور که اشاره کردید مسائلی مثل نظم‌پذیری و سایر مسائل فرهنگی و اجتماعی از جمله مباحثی هستند که می‌توانیم با استفاده از قرآن به آنها برسیم.

○ معمولاً در جامعه ما با همه امور جدی برخورد سطحی می‌شود و شما هم منفک از این جامعه نیستید آیا هیچ وقت در صدد بودید که به روح و مفاهیم و آموزه‌های قرآنی بپردازید و فقط به روخوانی و قرائت و... اکتفا نکنید؟ یعنی سراغ شیوه‌هایی رفته‌اید که فراتر از سطح و ظواهر کارهای قرآنی به عمق بپردازد؟

○ آموزش و پرورش در دو حوزه روی بحث قرآن کار می‌کند. یک حوزه ماموریت‌های رسمی است که از طریق برنامه‌ریزی درسی انجام می‌دهد که عمده‌تاً تکیه بر آموزش مهارت‌های قرآنی و دینی است که خوشبختانه با تلاشی که شد تقریباً ما در همه پایه‌ها، آموزش قرآن را به عنوان یک درس مستقل برای همه دانش‌آموزان داریم. که این چیزی نبود که در گذشته داشته باشیم.

بالطبع نباید به این حد اکتفا کنیم البته، این حوزه ماموریت معاونت پرورشی نیست، ولی با توجه به اطلاعی که من دارم، آنچه الان مهم است این است که دانش‌آموز علاوه بر آموزش بتواند به تربیت قرآنی هم رویکرد داشته باشد.

خوب، نظام آموزشی ما از این جهت ناقص است. هم روشهای آموزشی متناسب نیست هم نظام ارزشیابی دروس دینی و قرآن متناسب با ماهیت این دروس نیست. حالا، البته بازنگریهایی در این جهت در دست انجام است. بخصوص استفاده از تکنولوژی آموزشی خیلی مورد توجه قرار گرفته و درخصوص محتوا هم بازنگریهای جدی صورت گرفته است.



علاوه بر اینها، کاری که الان به صورت جدی دنبال می‌شود این است که در کنار فعالیتهای رسمی، ما فعالیتهای مکمل و فوق برنامه را هم به شکل مرتبط با فعالیتهای رسمی گسترش دهیم.

○ مثل چه فعالیتهایی؟

○ مثلاً، در همین بخش مسابقات قرآنی، الان خیلی از فعالیتهای در درون مدرسه می‌شود که هیچ ارتباطی با درس کلاس ندارد. تلاشی که داریم می‌کنیم این است که اولاً بتوانیم فعالیتهای قرآنی را داوطلبانه، اختیاری و خودانگیخته کنیم و در ثانی آنچه را که آموزش می‌دهیم، مکمل فعالیتهای رسمی مدرسه باشد که برخی از فعالیتهایی که داخل کلاس نمی‌توان انجام داد، در این قالب

انجام دهیم و اصولاً مسابقات ممکن است جاذبه زیادی برای دست‌اندرکاران فرهنگی نداشته باشد. اما برای خود دانش‌آموزان تشویق خوبی است و همین که در سال حدود ۵ میلیون دانش‌آموز در این مسابقات شرکت می‌کنند نشان می‌دهد که برای آنها جاذبه دارد. اما، تلاش ما این است که مسابقات را به کیفیت آموزشی تبدیل کنیم یعنی دانش‌آموز اول آموزش ببیند و بعد نتیجه آن را به مسابقه و رقابت بگذارد.

○ فکر نمی‌کنید که این شیوه‌ها، برای انتقال روح، مفاهیم و آموزه‌های قرآنی و الگودهی رفتاری به جوانان و نوجوانان ما ناکارآمد بوده‌اند؟

○ در بخش فعالیتهای فوق‌برنامه به نظر می‌آید که با توجه به سیل استقبال دانش‌آموزان، از دید ما ناکارآمد نبوده، البته نواقصی دارد. یعنی صرف شرکت عده زیادی در یک مسابقه می‌تواند دلیل خوبی برای تحقق اهداف قربت دینی باشد. در حالی که واقعیت چیز دیگری را نشان می‌دهد و آن اینکه ما طی سالیان دراز، بسیاری از فرصتها را برای حاکم کردن باورها، آموزه‌ها و روح واقعی قرآن بر رفتار و اندیشه جوانان و نوجوانان از دست داده‌ایم. به هر حال این یک شاخص است. اگر فعالیتی مورد اقبال دانش‌آموزان نباشد اینقدر مشارکت نمی‌کنند.

○ در مورد شاخص‌های دیگر چطور؟

○ شاخص‌های دیگر مثلاً تأثیرپذیری است. اگر اهداف تربیت قرآنی را ما صرفاً به آموزه‌های قرآنی محدود کنیم، در بخش آموزه‌ها من فکر می‌کنم سطح اطلاعات دانش‌آموزان نسبتاً خوب است البته مطلوب نیست. اما اگر به تربیت قرآنی بخواهیم محدود کنیم، نباید این تلقی به وجود بیاید که صرفاً ما می‌توانیم تربیت قرآنی را به آموزش قرآن محدود کنیم. چون واقعیت این است که امروز، هر نوع فعالیت تربیتی در بخش مسائل اعتقادی، با سایر ابعاد تربیت سیاسی، اجتماعی و... کاملاً مرتبط و هماهنگ است و با توجه به اینکه امروزه قرآن به عنوان یک برنامه تقریباً ملی از طرف نظام و حکومت دنبال می‌شود، همین اواخر ما یک تحقیقی داشتیم که نشان می‌داد میزان گرایش دانش‌آموزان نوجوان و جوان به دین و مسائل اعتقادی بسیار بالا است اما عملکردهای سیاسی و ناپسامانی‌های اقتصادی باعث شده که آن تعلق و آن هویت سیاسی و بعضاً دینی یک مقدار کم‌رنگ بشود.

○ یعنی بخش‌های دیگر جامعه...

○ بله، بخش‌های دیگر جامعه و بخش‌های دیگری از مقوله‌های کارهای تربیتی که من حالا خیلی باز نمی‌توانم بگویم.

می‌خواهم این را بگویم که موفقیت ما کاملاً به ما بر نمی‌گردد، ما می‌توانیم در حد توانایی خودمان بستر لازم را فراهم کنیم و میزان موفقیت ما دقیقاً با مسائلی مثل محیط خانواده، محیط اجتماع، عملکرد سایر نهادهای اجتماعی و حکومت، رابطه معناداری پیدا می‌کند مثلاً ما در فرهنگ قرآنی، صداقت و راستگویی را داریم ولی وقتی که این موضوع مهم در بین بعضی از مسؤولان و یا مردم ما فراموش شده است بالطبع اثرات آن خنثی می‌شود. یا در قرآن عدالت اجتماعی مأموریت اصلی پیامبران است و وقتی در جامعه شکاف‌های طبقاتی افزایش پیدا می‌کند به طور طبیعی ایمان از یک در دیگر از منزل بیرون می‌رود. یا بسیاری از ناهنجاریهای دیگر اجتماعی که وجود دارد خود به خود تأثیرگذار است.

○ هدف از راه‌اندازی دارالقرآنها چه بوده است؟

○ ایجاد دارالقرآنها از جمله برنامه‌هایی است که آموزش و پرورش برای ترویج فرهنگ قرآنی و انس بیشتر به آن در میان جوانان و نوجوانان ما اجرا کرده. راه‌اندازی دارالقرآنها یک مدل کاری است که با کمک مردم تقریباً طرف دو سال توانسته ظرفیتهای جدیدی برای تربیت قرآنی بجهت‌ها فراهم کند البته یک دلیل و انگیزه این کار این است که ما تا حدی از آموزش رسمی در کشور ناامید شدیم و احساس می‌کنیم تحولات در دل نظام آموزشی خیلی به نتایج مورد نظر ما نمی‌انجامد و لذا به کارهای فوق برنامه متوسل شدیم.

○ قدری بیشتر توضیح دهید.

○ چون تغییرات نظام آموزشی یک مقدار پیچیده است و زمان بر است.

○ و آیا اساساً در این زمینه خلأ جدی وجود ندارد؟

○ چرا. خلأ اساسی اگر نبود ما این کارها را نمی‌کردیم. ببینید نظام آموزشی ما هنوز که متحول نشده و کاملاً آموزشی است و وقتی آموزشی باشد به طور طبیعی هدفهای پرورشی در آن گم است. وقتی هدفهای پرورشی گم باشد به طور طبیعی تبدیل به برنامه‌های فوق‌برنامه می‌شود. در نتیجه ما دو راه داریم، یکی اینکه منتظر بمانیم که این نظام تغییر کند که متأسفانه ۲۱ سال منتظریم و هنوز اتفاق نیفتاده.

دومی، اینکه آن نظام را از طریق تغییر و اصلاحات پیش ببریم و همزمان هم بتوانیم فعالیتهای مکمل را هم داشته باشیم و بدون ایجاد تعارض در سیستم پاسخگوی نیازهای جاری جوانها هم باشیم.

○ آقای عبادی فکر می‌کنید در خود حوزه ستادی آموزش و پرورش مفاهیمی مثل آزادی، تساهل، انتقادپذیری و... به عنوان درس‌های عملی قرآن در رفتار نیروها و مسؤولان مربوطه معنا پیدا می‌کند؟

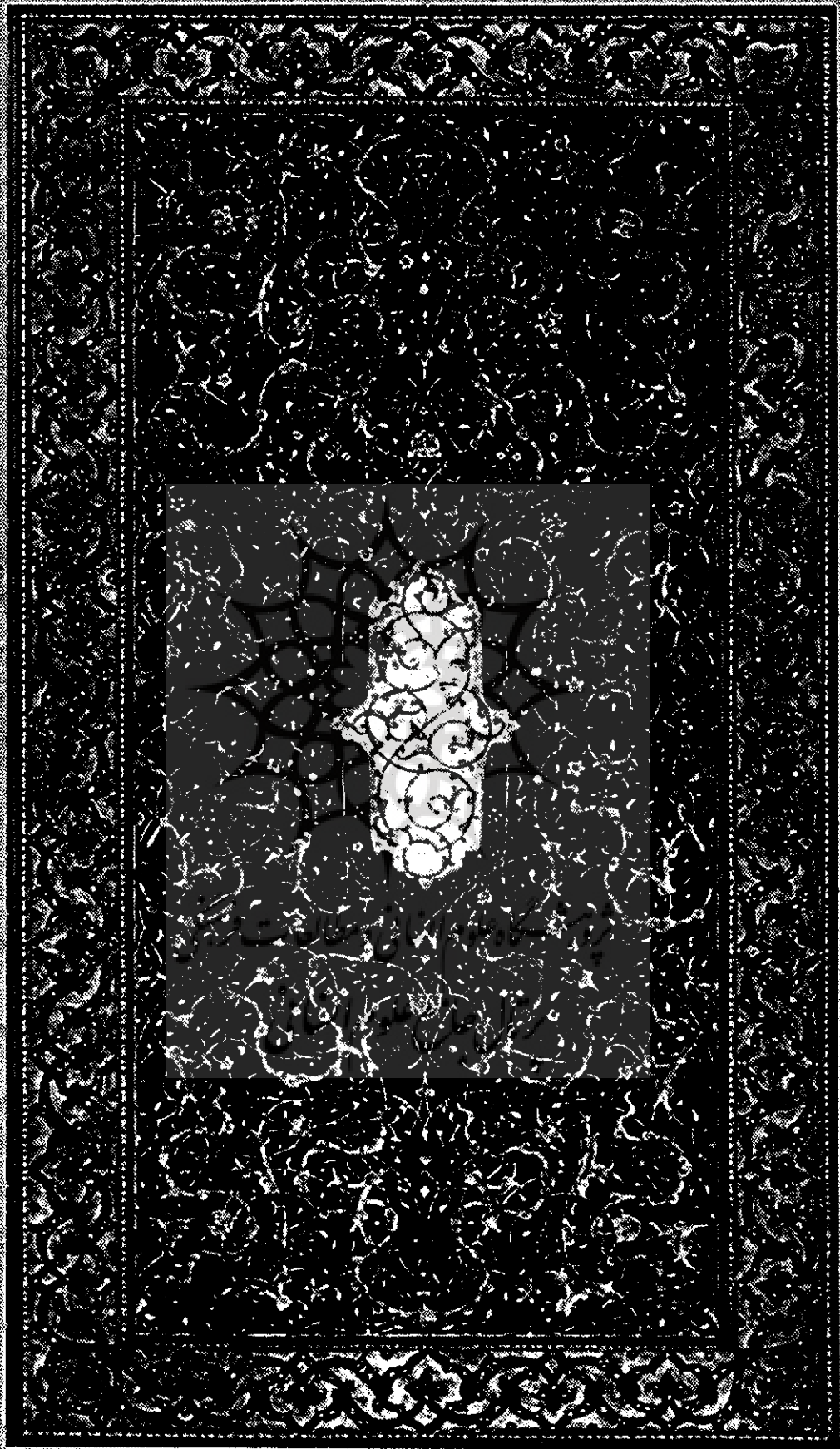
○ اینها دیگر نسبی است و آموزش و پرورش هم مثل همه دستگاه‌هاست. اما آموزش و پرورش نقش مهمی در تربیت نیروهای انسانی جامعه ایفا می‌کند و اگر در دل این وزارتخانه با چیزی حدود یک میلیون پرسنل و نیروی انسانی شاغل به خدمت و بویژه در حوزه ستادی آن، آموزه‌های قرآنی جلوه‌ای در اندیشه، رفتار و کردار آنها نداشته باشد، چطور شاهد انتقال چنین فرهنگی به نسل جوان و نوجوان خواهیم بود؟ مسائلی مثل آزادی بیان، انتقادپذیری و... به عنوان برخی از آموزه‌های قرآنی آیا در این حوزه وجود عینی دارد؟

○ البته تلاش همه ما این است که این فرهنگ در آموزش و پرورش نهادینه شود، با توجه به اینکه آموزش و پرورش یک دستگاه آموزشی سنتی تقریباً اداری است تغییرات در آن تدریجی است. البته اشکالات و نواقصی هم وجود دارد ولی با توجه به اینکه سیاستهای آموزش و پرورش هم متأثر از سیاستهای دولت است و سیاست دولت بر این است که ما بتوانیم فهم مسائل دینی و اعتقادی را از آن حالت یک بعدی و یک طرفه خارج کنیم و اجازه بدهیم با تنوع عقیده‌ها و سلیقه‌ها و افکار انتخاب را بر عهده خود معلمین و دانش‌آموزان بگذاریم و ما بتوانیم به جای اینکه نقش قیمی بر آموزش و پرورش داشته باشیم نقش بسترسازی برای انتخاب آنها ایفا کنیم.



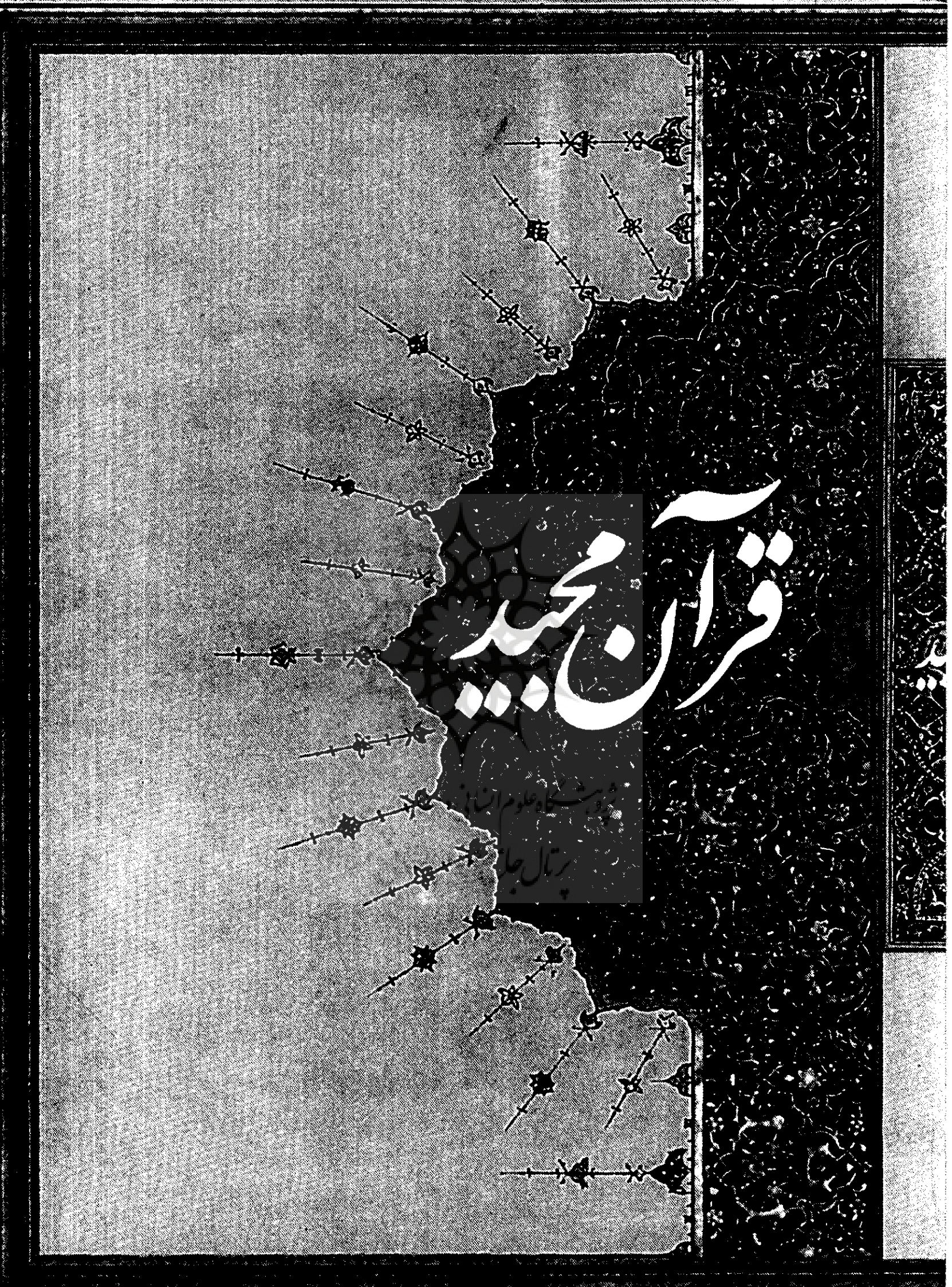
پیشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رسالہ جامع علوم اسلامی

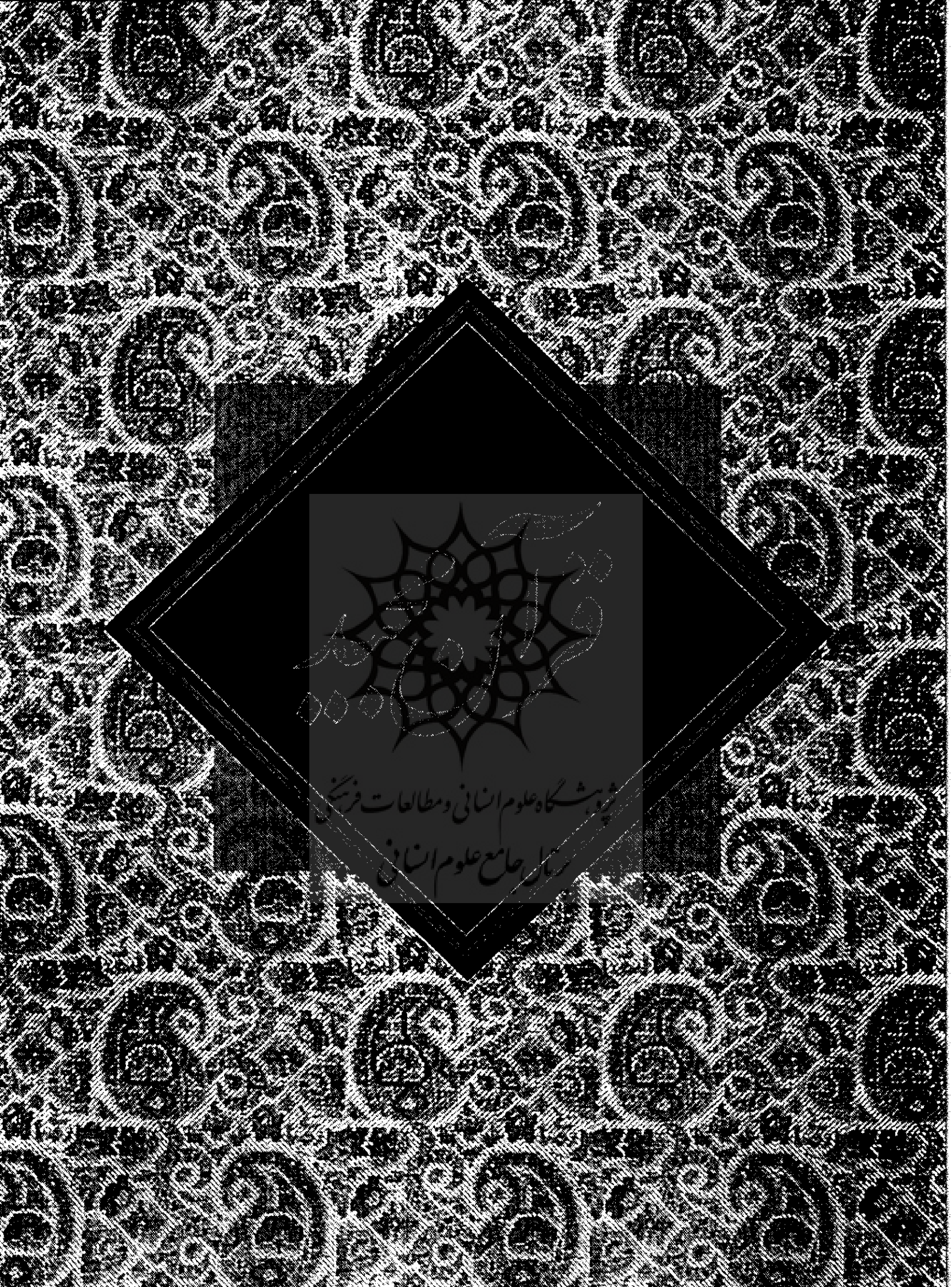
قرآن مجید



تراجم

مجله علمی و ادبی
شماره ۱۰۰
تابستان ۱۳۹۰





پیشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
سال جامع علوم انسانی